



عنوان : (نگاهی به مطاوعه در ابوب ثلاثی مزید)

استاد راهنما:

(حجه الاسلام احمدی)

پژوهشگر :

(حسین نوروزی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: معنای مطاوعه در ابواب ثلاثی مزید

سوال اصلی:

معنای مطاوعه چیست؟ و چه کاربردی در ابواب دارد؟ مطاوعه به چه معناست؟

سوالات فرعی آیا معنای مطاوعه در ابواب مختلف متفاوت است

۱. آیا فهمیدن معنای مطاوعه در فهم قرآن و احادیث کمک می کند؟
۲. مطاوعه چه تفاوتی با مجهول می کند؟ آیا یک فعل که به مطاوعه می رود مجهول می شود؟
۳. گذشته از ثلاثی مزید، در رباعی نیز معنای مطاوعه داریم؟
۴. مطاوعه چه فرقی با لازم دارد؟

فصل اول: مفهم شناسی

فصل دوم: معنای مطاوعه در ابواب

فصل سوم: تفاوت مطاوعه با مجهول

فصل چهارم: استعمالات قرآنی معنای مطاوعه

چکیده

مطالعه یعنی پیروی کردن. در اصطلاح به معنای پیروی کردن فاعل یک فعل از فعل دیگر است. باب های مختلفی از ثلاثی مزید دارای مطالعه هستند که بارزترین این معنا در باب انفعال که تنها معنای مطالعه را در بر دارد.

مطالعه یک مفعول از فعل کم می کند و اگر یک مفعولی بوده باشد، آن را لازم می کند و از این رو که مفعول کم می آمد شاید یک شباهت هایی با مجهول داشته باشد و از طرفی باید دیگر این معنای مطالعه با لازم ارتباطی دارد یا نه که در این مقاله بررسی شده است.

مطالعه ابواب مختلف و ویژگی های متفاوتی دارد که این تفاوت باعث تفاوت در معنی کردن قرآن و احادیث می شود.

مقدمه

مطالعه یکی از اصلی ترین معانی ابواب ثلاثی مزید است در این پژوهش سعی شده است تا معنای مطالعه در باب های مختلف با تفاوت هایی که از نظر معنادار بیان شود و هم چنین سعی شده است تا تفاوت مطالعه با لازم و مجهول از یک دیگر تمیز داده شود و در آخر نیز یک نگاه اجمالی به مطالعه در ابواب رباعی شده است و سعی شده تا آنجا که امکان دارد از شواهد قرآنی استفاده شود

عنوان: معنای مطاوعه در ابواب ثلاثی مزید / چیستی و چگونگی مطاوعه در ابواب ثلاثی مزید

چکیده:

ابواب ثلاثی مزید معانی متفاوتی دارند که در میان این معانی، مطاوعه دیده می شود. که نسبت به سایر معانی آن کمتر پرداخته می شود و یک کتاب یا مقاله مفصل نسبت به آن نداریم. همگی ابواب ثلاثی مزید دارای معنای مطاوعه نیستند بلکه تعدادی از ابواب این معنا را دارند که مفصل ترین آن باب انفعال است. در ابواب رباعی هم مطاوعه موجود است و یکی از بحث های مطاوعه تفاوت آن با مجهول و لازم است یا اگر تفاوت ندارد چه نسبتی دارند. مطاوعه در ابواب مختلف دارای ویژگی های متفاوتی است که این تفاوت در ویژگی باعث تفاوت در معنا می شود که در معانی احادیث و قرآن تاثیر می گذارد.

معنای مطاوعه در ابواب -

نام منبع: صرف جامع کاربردی - ص ۱۷۵

مطاوعه یعنی:

اثرپذیری و پذیرش اثر فعل که برعکس معنای تعدیه است که به معنای اثرگذاری است. در لغت از ریشه طَوَّعَ طَاعَ يَطْوَعُ لازم است. جمع آن طَوَّعَ و طَائُونِ رفته است به باب مفاعله و معنای آن در این باب این است که ان را موافقت و همراهی کرد.^۱

المنجد ص ۴۷۵ موسسه انتشارات دارالعلم^۱

علاوه بر طَاعَ يَطُوعَ که اسم فاعل آن طائع است از هری بعضی از عرب ها آن را طَاعَ يَطَاعَ لغت جیده یعنی فصیح و این سیده طَاعَ يَطَاعَ گفته است.^۲

مطاوعه از نظر لفظ

منبع: معجم الوسيط

مطاوعه از نظر لغوی مُطَاوَعَه از ریشه طَوَعَ به معنای فرمانبرداری کردن است. که به باب مُفَاعَلَه رفته است که در مصدر این باب به معنای (فرمانبردار فلانی شده است). پس از نظر لغوی مطاوعه یعنی فرمانبرداری کردن و قبول کردن حکم فعل ماقبل است.

مطاوعه اصطلاحی

مُطَاوَعَه

۱. تعریف: مطاوعه به معنای اثرپذیری از فاعل یک فعل دیگر است.^۳
در این معنا برعکس معنای تعدیه که مفعول اضافه می کند مفعول را کم می کند یعنی: اگر فعل متعدی باشد، لازم می شود

ویژگی های مطاوعه:

۱. دوفعلی است، هر چند غالباً فعل اول در کلام ذکر نمی شود.
 ۲. فاعل فعل اول اثرگذارنده و فاعل فعل دوم اثر پذیرنده است.
 ۳. فاعب فعل دوم مفعول فعل اول بوده است.
- مانند بَاعَدْتُهُ فِتْبَاعَدَ (او را دور کردم، پس دور شد) فعل اول مَطَاوَع و دوم مُطَاوَع است. آنچه به وسیله من دور شده است، اثر دور شدن را پذیرفته است. یعنی مفعول حال شده، فاعل که این عمل دور شدن را انجام میدهد.
- مثال: كَسْرَتُ الزَّجَاجِ فَاَنْكَسَرَ که مفعول آن اسم ظاهر می باشد مطلب را واضح تر می کند. البته باید بعد از مثال به سه مرحله فوق اشاره شود.

تاج العروس فصل الطاء من باب عين ص ۴۴۴^۲
دانش صرف^۳

معنای مطاوعه در صرف کاربردی

در ماده طَوَّعَ که معنای انقاد و فرمانبرداری می دهد در معاجم پیروی از روی میل و بدون ابا و انتفاع را نیاورده است. البته استاد کشمیری در صرف کاربردی خود معتقد است که مطاوعه اثرپذیری از روی اراده و قصد و اختیار است..

و در معنای باب انفعال که همه آن را مطاوعه نامیده اند ایشان گفته است اثرپذیری از روی اکراه و به اجبار و به همین دلیل آن را مطاوعه نمی خواند.

معنای مطاوعه در شرح تصریف

علاوه بر کتاب دانش صرف در کتاب جامع المقدمات مطاوعه را به این شکل بیان کرده است.⁴

حصول الاثر عند تَعَلَّقِ الفعل المتعدی بمفعوله فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتُ
كَسَّرْتُهُ فَالْحَاصِلُ لَهُ التَّكْسِيرُ

حاصل شدن اثر نزد تَعَلَّقِ فعل متعدی به واسطه مفعولش، پس هنگامی که تو می گویی، شکستم پی حاصل آن شکسته شدن است.

۱

اجزا آن فعلی که معنای مطاوعه می دهد:^۵

۱. در مورد ذَكَرْتُهُ فَتَذَكَّرَ

مُطَاوَعِ مَطَاوَعِ

۲. فعل اول مطاوع گویند اثر گذارنده

و به فعل دوم مَطَاوَعِ گویند اثرپذیرنده

ابواب ثلاثی مزیدمزید

: فعلی است که در صیغه علاوه بر ۳ حرف اصلی دارای ۱ و ۲ و ۳ حرف زائد است که علاوه بر تغییر

لفظی وزن جدیدی نیز در بردارد و معنا را نیز تغییر می دهد

جامع المقدمات بخش شرح تصریف ص ۱۹۹⁴

دانش صرف ص ۲۳۸⁵

۱. باب افعال: اشرفُ يُشرفُ اشرافُ ۱ حرف زائد
۲. باب تفعیل: سلمٌ یسلمُ سلمٌ تسلیم ۱ حرف زائد
۳. باب مفاعله: قاتلٌ یقاتلُ قاتلٌ مقاتله ۱ حرف زائد
۴. باب تفاعل: تکاثرٌ یتکاثرُ تکاثرٌ ۲ حرف زائد
۵. تفعُلُ: تعلّمٌ یتعلّمُ تعلّمٌ ۲ حرف زائد
۶. باب افتعال: اکتسبُ یکتسبُ اکتسابٌ ۲ حرف زائد
۷. باب انفعال: انصرفَ ینصرفُ انصرافٌ ۲ حرف زائد
۸. باب افعِلال: احمرَّ یحمرُّ (احمرَّ احمرُّ احمرُّ) احمرارٌ ۳ حرف زائد
۹. باب افعیلال: احمارٌ یحمارُّ (احمارٌ، احمارٌ) احمیرارٌ ۳ حرف زائد
۱۰. باب استفعال: استخرجَ یتسخرُ استخرجٌ استخراجٌ ۳ حرف زائد

ابواب ثلاثی مزید

دانش صرف و مغنی الفقیه

در میان این ۱۰ باب ثلاثی مزید همه آنها در معنای خود مطاوعه را ندارند.

در بعضی از آنها مطاوعه معنای پرکاربرد نیست. از جمله عبارتند از:

۱. باب افعال: معنای مطاوعه ندارد. باب تفعیل و مفاعله هم در معنای خود مطاوعه ندارند و باب افعلال و افعیلال ذکر نکرده اند.
۲. باب تفاعل مطاوعه را معنای دوم ذکر کرده است. آیا در همه کتب مرجع چنین است؟ باب تفعّل اول مطاوعه را ذکر کرده است.

۳. باب افتعال معنای اول، باب امفعال معنای اول، باب استفعال در معنای ۵ مطاوعه بابا افعال را بیان کرده است.

معنای مطاوعه در ابواب ثلاثی مزید

معنای مطاوعه در باب تفاعل

باب تفاعل:

در این باب مطاوعه را دومین معنا بیان کرده است و اولین معنای آن را مشارکت بیان کرده است. باب تفاعل برای مطاوعه باب مفاعله به کار می رود.^۶ یعنی آن فعل اثرگذار از باب مفاعله است. (مطاوع) مانند *بَاعَدْتُهُ فِتْبَاعَدَ* (او را دور کردم پس دور شد) ۱. در مورد معنای باب تفاعل استاد کشمیری در صرف کاربردی خود می گوید که: این باب از قرار گرفتن حرف تاء در صدر *فالفعلش* ساخته شده است. با توجه به معنای تاء که قبول کردن، پذیرفتن و تحقق نسبت است به نظر می رسد معنی اصلی این باب مطاوعه باب مفاعله باشد.

۲. حضرت استاد گوید که این باب، مطاوعه باب مفاعله است از آن رو که باب مفاعله دلالت بر طوع و تحقق فعل دارد و در مطاوعه این باب دلالت می کند بر حصول اثر باب مفاعله و تحقق آن و امتداد و طول آن.

۳. مانند *بَاعَدْتُهُ فِتْبَاعَدَ* (او را دور کردم، پس دور شد)
مانند *غَابَنَهُ فِتَغَابَنَ* (دائما به او ضرر وارد کرد، او نیز دائما ضرر دید و فریب خورد)

معنای مطاوعه در باب تَفَعَّل

باب تَفَعَّل:

اولین معنای باب تَفَعَّل همین مطاوعه است. باب تَفَعَّل برای مطاوعه باب تفعیل استفاده می شود. مانند *ذَكَرْتُهُ فِتَذَكَّرَ* (به یاد آوردم، پس به یاد آورد) باب تَفَعَّل بیشتر در معنای مطاوعه استفاده می شود.

تدریج الادانی ص ۳۹ 6

گوید که:

باب تَفَعَّلَ مطاوعه باب تفعیل است و به هر کدام از معانی خود که به کار رفته باشد برای مطاوعه آن معنا می آید. مانند فَعَّلَ برای تکثیر مانند: قَطَعْتُهُ فَتَقَطَعَ یا برای نسبت مانند قیستَه یا برای تعدیه مانند علمتَه فَتَعَلَّمَ^۷

یعنی اگر باب تفعیل را به کار ببریم در معانی کثیر و یا غیر بعد آن را مطاوعه کنیم در همان معنای باب تفعیل و یا غیر مطاوعه می کنیم. مثلا اگر میگوییم او را بسیار شکستم، پس شکسته شد. این اثرپذیری خورد شدن یا شکستن بسیار خورد شده است و آن بسیار شکسته یا خورد شدن را پذیرفته است.

معنای مطاوعه در باب افتعال

نام منبع: دانش صرف

باب افتعال اولین معنا را مطاوعه ذکر کرده است که دلالت می کند که بیشتر در این معنا استعمال می شود..

مانند: جَمَعْتُ النَّاسَ فَاجْتَمَعُوا (مردم را جمع کردم پس جمع شدند)

باید دانست که بابا افتعال اغلب برای مطاوعه ثلاثی مجرد است و گاهی برای مطاوعه ابواب افعال یا تفعیل به کار می رود.

مانند: أَحْرَقْتُ شَيْءًا فَاحْتَرَقَ (آن را آتش زدیم پس آتش گرفت)

و هم چنین مانند: عَدَلْتُ الرَّمْعَ فَاعْتَدَلَ (نیزه را صاف کردم پس صاف شد)

که این صدور فعل از روی قصد و بدون ابناء وضع است. مانند (واختار موسى قومه سبعين رجلا يمينا)

اعراف ۱۵

مثال برای باب افتعال^۸

مثال که از روی اختیار مطاوعه شکل می گیرد:

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا

سوره یونس آیه ۱۹

اختلاف کردند از روی اختیار و رغبت و قصد

شرح شافیه ابن حاجب ج ۱ ص ۱۰۴-۱۰۷ 7

مغنی الفقیه بخش افتعال 8

معنای مطاوعه در باب افتعال از نظر صرفیون

صرف جامع کاربردی

۱- بنا بر نظر دانش صرف معنای افتعال غالباً مطاوعه است و نظر کتاب مغنی الفقیه هم همین است. اما بنا بر نظر سیبویه و ابن یعیش این معنا برای باب افتعال قلیل است و اکثراً معنای مطاوعه در باب انفعال است.

۲- در این باب در مورد مطاوعه، علاوه بر افعال ظاهری میتوان از افعال غیر ظاهری نیز استفاد نمود. مانند غمّمته فاعتمّم (او را غمگین کردم، پس غمگین شد)^۹

معنای مطاوعه در ابواب (باب انفعال)

منبع: دانش صرف

در مورد معنای مطاوعه در باب انفعال اینکه:

تنها معنای ذکر شده برای این باب مطاوعه است:

کسرتَه فانکسرَ (آن را شکستم، پس شکسته شد)

این باب بیشتر برای مطاوعه ثلاثی مجرد استفاده می شود و گاهی نیز برای مطاوعه در باب افعال نیز استفاده می شود.

مانند: أطلقتُهُ فانطلقَ (او را روانه کردم، پس روانه شد)

البته بیان شده است که تفادوت این مطاوعه با دیگر افعال در این است که در این جا از روی قهر است.

کاربرد قرآنی باب انفعال در معنای مطاوعه

منبع: دانش صرف

کاربرد قرآنی معنای مطاوعه در باب انفعال در قرآن:

قال الله تبارک و تعالی: «فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا» بقره ۶۰

که در اصل این بوده است: فاضرب بعصاه الحجر فانفجرت

که به گفته دانش صرف لازم نیست که فعل اول ذکر شده باشد چنانکه مشاهده شد.

شرح المفصل ج ۷ ص ۱۶۱^۹

همانطور که (ممکن است) فعل اول و دوم از یک ماده فعل نباشد.

خصوصیات این باب:

۱. باب انفعال لازم است و مفعول نمی گیرد.
۲. این باب برای مطاوعه وضع شده است.
۳. مطاوعه در این باب درباره آن چیزهایی است که با چشم دیده می شوند. مانندک قطع، جذب، کسر

پس نمی توان گفت که عَلِمْتُ فَأَعْلَمَ و فَهِمْتُ فَانْفَهَمَ (به او فهماندم، پس فهمانده شد)

باب انفعال همیشه لازم است و مفعول نمی گیرد.

گفته شد که مطاوعه یک مفعول از فعل کم می کند. حال چگونه است که این باب که لازم تنها دارای معنای مطاوعه است در صورتی که مطاوعه یک مفعول می خواهد تا عمل خود را انجام بدهد به گفته این کتاب اصلا برای مطاوعه وضع شده است؟

باید دانست که این عمل مطاوعه و لازم بودن این باب باهم متقارن هستند. مثلا یک فعلی داریم می آید و متعدی است. هنگامی که داخل در این باب می شود چون به خاطر مطاوعه یک مفعول از آن کم می شود لازم می شود.

باید دانست که مطاوعه بر دو وجه است:

۱. گاهی اراده در تاثیرپذیری دخالت دارد. مانند: أَطْلَقْتُهُ فَانْطَلَقَ، صَرَفْتُهُ فَانْصَرَفَ
۲. و گاهی نیز تاثیر ندارد و بدون اراده انجام می شود. قَطَعْتُ الْحَبَّ فَانْقَطَعَ یا كَسَرْتُ الْحَبَّ فَانَكَسَرَ

۱. آیا مگر باب انفعال مطاوعه در ثلاثی مجرد نیست؛ پس این مثال اول اشتباه است؟

گاهی نیز مطاوعه برای أفعال است. مانند اُزْتَجِبَ فَانزَجَجَ و این قلیل است و اما تعبیر انسفق جائز است که مطاوعه برای سَفَقْتُ الْبَابَ (در را بستم) یا رَدَّتْهُ بِأَسْفَقْتُهُ یا أَسْفَقْتُهُ. زیرا سَفَقْتُ و اسفقتُ هر دو به یک معناست منظور این است که یعنی این تعبیر انسفق هم می تواند مطاوعه ثلاثی مجرد باشد و هم ثلاثی مزید باب إفعال؛ چرا که هر دو به یک معنا است.

۲- مگر گفته نشد چیزهایی مطاوعه می شود که قابل دیدن باشد. در مثال دوم کجای حُبّ قابل دیدن است؟

ج. باید گفت حُبّ علاوه بر معنای دوست داشتن، معنای طرف آب خم با سبو هم می دهد. مانند: بالا^۱

معنی الفقیه گوید که فَعَلَ در انفعال باید متعدی بوده تا طاوعه آن صحیح باشد. این کلام یعنی چه؟

ج: یعنی آنکه فعل ثلاثی مجرد که می خواهد به این باب بیاید و مطاوعه شود اول متعدی باشد تا بعد از آن لازم بشود.

۳- آیا افعال دو مفعولی می توانند به این باب بروند؟

خیر، افعال دو مفعولی چون در هنگام مطاوعه یک مفعول را از دست داده و یک مفعول هنوز دارند، و لازم نیستند، نمی شود به این باب بروند.

۴- باید دانست که مطاوعه انفعال برای فَعَلَ قیاسی نیست، یعنی نمی توان هر فعل دال بر علاج را به این

باب برد، پس گفته نمی شود طردتُهُ فانطرد. بلکه باید گفت طردنه فذهب یعنی چه؟

اینکه می گوید مطاوعه انفعال برای فَعَلَ (ثلاثی مجرد) قیاسی نیست یعنی آنکه نمی توان گفت هر

فعل ثلاثی مجرد را به این باب برد بلکه عرب باید آن را استعمال کرده باشد و برای نتیجه گیری نمی

توان برای هر فعل از این باب استفاده کرد بلکه متوقف بر استعمال عرب است. مانند اینکه نمی توان

گفت طردتُهُ فانطرد، بلکه باید گفت طردتُهُ فذهب. علاوه بر اینکه از ثلاثی مزید استفاده نمی کند. بلکه از

ریشه همان فعل استفاده نمی کند.

یک مثال قرآنی داریم که در آن بیان شده است:

« إنصرفوا صرفَ الله قُلُوبَهُمْ »

در این آیه اول مطاوع آمده است، و بعد مطاوع و طبق اصل این است که اول مطاوع آید بعد مطاوع.

امام می توان از این قاعده عدول کرد. اگر که در کلام قرینه وجود داشته باشد. مانند بالا. چرا که خداوند

اول قلب ها را منصرف نمی کند، آنها قلب هایشان صرف نظر کرده است، بعد به آن خاطر خدا هم

انصراف داده است.

معنای مطاوعه در باب استفعال

منبع: دانش صرف

پنجمین بابی که معنای مطاوعه را ذکر کرده است باب استفعال است.

اما معنای مطاوعه در این باب غالبی نیست بلکه معنای پنجم این باب است، مانند: أَحْكَمَتِ الشَّيْءَ فَاسْتَحْكَمَ (آن را مستحکم کردم پس مستحکم شد)

که باب استفعال مطاوعه باب افعال است.

در مرور معنای مطاوعه در این باب همانطور که از پیش هم گفته شد، استاد کشمیر دلیل وجود معنای مطاوعه از روی اختیار را وجود صرف مطاوعه از روی اختیار وجود صرف نماد می داند که معنای پذیرفتن می دهد و در مورد این باب در باب افتعال می گوید که چون مکان تاء در این دو باب متفاوت است به طبع هم باید از نظر معنا یک تفاوت های داشته باشد. می گوید که چون تاء قبل از ۳ حرف اصلی فعل است پس این باب دلالت بر این دارد که مطاوعه قبل از رخ دادن فعل است. و تفاوت را اینگونه می گوید که در باب استفعال بر خلاف افتعال قبل از وقوع فعل است و هنوز این اختیار جامعه عمل نپوشیده است و مربوط به مرحله قبل از عمل است.

تفاوت معنای مطاوعه با مجهول¹¹

منبع: مغنی الفقیه (علم صرف در میر اجتهاد)

گفته شد آن هنگام که ما مطاوعه می کنیم مفعول حذف شده و دیگر مفعول نداریم و مفعول فاعل فعل اثر پذیرنده می شود.

در معنای مطاوعه دیگر به فاعل نظر نداریم، تنها حالتی را که مفعول سابق پیدا کرده است، در نظر می گیریم، مثلاً اگر عَلِمَ زَيْدٌ عَمْرًا بِصُورَةٍ تَعَلَّمَ عَمْرٌ فِي حَالَتِهِ عَمْرٌ نَظَرَ دَارِيْمٌ وَ اَصْلًا بِهِ فاعل به هیچ وجه نظر نداریم، بلکه فاعل دار بودن فعل هم دیگر مطرح نیست. بدین خاطر اگر تَعَلَّمَ بَثْنِ فاعل هم انجام گیرد درست است.

ولی در عَلِمَ عَمْرٌ نَسَبٌ فاعلی به نحو اجمال هنوز پابرجا است یعنی وجود یک مُعَلِّمٍ که نامعلوم است در این جمله مفروض شده است بدین جهت (عَلِمَ عَمْرٌ) در فارسی به (عمر دانش آموخته

¹¹ مغنی الفقیه (علم صرف در مسیر اجتهاد)

شد) می باشد ولی ترجمه (تَعَلَّمَ عمر) می شود (عمر دانش آموخت) این تفاوت معنایی باعث شده که در فعل مطاوعه مسند الیه فاعل خوانده شود و در صیغه مجهول مسندالیه را تنها نائب فاعل بدانند. شاید به زبان بهتر در مجهول ما بر روی فاعل هنوز توجه و منظور داریم اما در مطاوعه دیگر تمام، منظور از قرجه ما بسمت فاعل مطاوعه که مفعول بوده است می رود.

در آیه شریفه در أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي^{۱۲} سه فعل از ریشه هدی به کار گرفته شده است. یک فعل معلوم هدی که از محل کلام ما بیرون است و یک فعل مطاوعه يَهْدِي که (یهتدی) بوده است از باب افتعال و یک فعل مجهول يُهْدِي، بنابراین یهتدی بود و متمم است. مَهْتَدِي مُهْتَدِي (یعنی هدایت شده که او را هدایت کرده اند) و مهتدی غیر مُهْتَدِي (هدایت شده به حمدی حمد و بدون دخالت عالم خارجی) بنابراین آیه چنین می گردد: آیا آن کس که خود هادی است شایسته تر است که از او پیروی شود یا کسی که هدایت شدگی وی تنها به عامل خارجی وابسته است. (یعنی نه تنها هادی نیست بلکه مهتدی بودن وی هم از سوی خودش نیست بلکه یک هادی او را هدایت کرده است.) مثال دیگری که تا حدودی شبیه به این مثال می باشد از نظر معنا جمله معروف امام زین العابدین است که در مورد حضرت زینب می فرماید:

۱. عالم معلّم دانانی دانا کرده شده
 ۲. عالم غیر معلّم دانای دانا کرده نشده
- یعنی عالم بالذات و همینطور است در فهم.

معنای مطاوعه و تفاوت آن با لازم

در این بیان که لازم چه تفاوتی با مطاوعه دارد برداشت این بود که مطاوعه یک جزئی از اجزاء لازم است، بصورتی که وقتی می خواهد ابنیه لازم را بشمارد، مطاوعه را یک مورد از موارد آن می داند، یعنی یک فعل هنگامی که مطاوعه نشود، لازم می شود (اما احتمال دارد که ۲ مفعول بوده و متعدی بماند اما این در بعضی از افعال و ابواب (مانند انفعال) حتمی است و مانند ابواب رباعی. البته باید این را هم گفت در هیچ کتابی تقریباً از تفاوت لازم یا شباهت آن حرفی نروده است.

تفاوت و شباهت مطاوعه با لازم

رابطه تساوی ندارند، چرا که مطاوعه فعل یک مفعولی را لازم می کند و ۲ مفعولی را لازم نمی کند. لسان العرب می گوید: « النحویون رَبَّ ما سَمُوا فعل لازم مطاوعاً) یعنی آنکه نحویون هر دو رابه یک معنا گرفته اند اما از تحقیقات به دست آمده معلوم میشود که یک رابطه ی عام و خاص من وجه دارند به این صورت که تعدادی از مطاوعه ها لازم هستند و تعدادی نیستند و همین چنین بعضی از لازم ها مطاوعه هستند و تعدادی نیستند

معنای مطاوعه در ابواب رباعی^{۱۳}

مطاوعه در رباعی

فعل رباعی فعلی است که در ریشه اصلی خود دارای ۴ حرف اصلی باشد، مانند دجرح، زلزل رباعی مزید دارای ۳ باب است که عبارتند از:

تَفَعَّلَ – اَفْعَلَّلَ – اَفْعَلَّلَ

از میان این ۳ باب ۲ باب اول دارای تنها یک معنا هستند و آن نیز مانند مطاوعه است که هر دو در مطاوعه رباعی مجرد است و باب اَفْعَلَّلَ معنای مبالغه می دهد.

مانند « دَحْرَجْتُهُ فَتَدَحْرَجَ (آن را غلتاندم، پس غلتید)

حَزَجَمَتِ الْاَبْلُ فَاُحْرَنْجَمَتِ (شترها را جمع کردم، پس جمع شدند)

دانش صرف بخش افعال رباعی¹³

منابع تحقیق عبارت انداز:

- ۱- مغنی الفقیه (صرف جامع کاربردی و علم صرف در مسیر اجتهاد) -مصطفی جمالی -تشریحات دارالفکر چاپ اول چاپ قدس قم
- ۲- تدریج الادانی
- ۳- صرف کاربردی - کشمیری عبدالرسول- چاپ احسان چاپ اول بهار ۱۳۹۴
- ۴- شرح شافیه ابن حاجب
- ۵- دانش صرف - سید حمید جزایری -